

کتاب «ملاحظات‌ی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» با در نظر گرفتن جلوه‌های کاربردی این قانون در رویه قضایی و در راستای رفع خلأ علمی موجود برای جامعه حقوقی و قضایی را «رسول احمدزاده» و «مجتبی تام»، نگارنده‌اند. نویسندگان در این اثر تلاش کرده‌اند با رویکرد علمی و در نظر گرفتن ملاحظات عملی، کاربردی‌ترین نکات این قانون را به سبک آموزشی، برای علاقه‌مندان بیان کنند. با توجه به اینکه این اثر یکی از نخستین و جدیدترین آثار درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است؛ گفت‌وگویی با دکتر رسول احمدزاده انجام دادیم که در ادامه خواهد آمد:

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: قبل از اینکه به موضوع کتاب بپردازیم لطفاً درباره سابقه علمی و پژوهشی خود در عرصه حقوق توضیحاتی ارائه فرمایید.**

من مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه علوم قضایی و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران و در گرایش حقوق جزا خوانده‌ام و مقطع دکتری را در دانشگاه تربیت مدرس به اتمام رسانده‌ام. در حال حاضر در استان البرز قاضی و سردبیر مجله حقوقی دادگستری و مدیر گروه نشریات تخصصی علمی پژوهشگاه قوه قضائیه هستم. در واقع کلیت سوابق علمی بنده یکسری کارهای علمی است که اگر در فضای مجازی جستجو کنید کلیت آن‌ها را خواهد دید. بنده در دانشگاه علوم قضایی هم تدریس می‌کنم.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: در ابتدای بحث لطفاً ساختار کلی کتاب و مباحث اساسی را که به آن پرداخته‌اید توضیح دهید.**

قانون کاهش حبس تعزیری قانونی به یک معنا غیرمنتظره و ناگهانی بود. در ابتدای امر ماده واحده‌ای بود که ارائه شده و بیان کرده بود که کل مجازات‌ها نصف خواهد شد. این مصوبه در شورای نگهبان با ایراداتی مواجه و به مجلس برگردانده شد. مجلس طی ارتباطاتی در مرحله اصلاح با قوه قضائیه، این ماده واحد را به ۱۵ ماده تبدیل کرد که باعث تغییرات عمده‌ای در بخش کتاب عمومی قانون مجازات اسلامی شده. با توجه به فرایندی که این قانون تصویب کرد بنده

**«خودم تصمیم به این اقدام گرفته بودم. خواستم این کار را انجام دهم و در فضای مجازی منتشر کنم. دست به قلم شدم و حدود ده روز درگیر بودم، همکار و دوستم که با هم کتاب را تألیف کرده‌ایم تماس گرفت و پرسید: این قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را دیده‌ای؟ گفتم، بله از قضا دارم مطلبی راجع به آن می‌نویسم.»**

تا روزی که این قانون تصویب شد اصلاً خبری هم نداشتم؛ یعنی خودم رصد هم نمی‌کردم. ولی روزی که تصویب شد و خبرش منتشر شد تا مدت لازم‌الاجرا شدن آن قانون را ملاحظه اولیه‌ای کردم و دیدم این قانون خیلی از قواعد حقوق جزای عمومی را به هم ریخته است و دادگاه‌ها و سیستم قضایی را دچار چالش خواهد کرد. برای همین ابتدا تصمیم گرفتیم متنی مشروح راجع به آن بنویسیم و در فضای مجازی مثلاً در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنیم که همکاران قضایی، وکلا و سایر افراد این حوزه از آن استفاده کنند.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: شما به صورت خودجوش تصمیم به نگارش شرحی بر این قانون گرفتید یا از طرف نهاد خاصی از شما مطالبه شده بود؟**

خودم تصمیم به این اقدام گرفته بودم. خواستم این کار را انجام دهم و در فضای مجازی منتشر کنم. دست به قلم شدم و حدود ده روز درگیر بودم، همکار و دوستم که با هم کتاب را تألیف کرده‌ایم تماس گرفت و پرسید: این قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را دیده‌ای؟ گفتم، بله از قضا دارم مطلبی راجع به آن می‌نویسم. آقای تامه گفتند که این کار مشکلی است و من به ایشان پیشنهاد دادم که در تهیه جزوه کمک کند تا به صورت PDF در کانال‌ها و سایت‌ها قرار دهیم. ایشان موافقت کردند، چون می‌توانست برای همکاران قضایی و جامعه حقوقی مفید باشد.

آقای مجتبی تامه ساکن قم و محل کارشان آران و بیدگل استان اصفهان است. ما حدود ۲۰ روز وقت گذاشتیم تلفنی هماهنگ می‌شدیم و به همین منوال جزوه‌ای را به صورت خیلی عجله‌ای آماده کردیم. هدف این بود که جزوه را در فضای

اینترنتی قرار دهیم که استفاده شود؛ اما دوستان در پژوهشگاه قوه قضائیه گفتند این کتاب را در فضای اینترنتی می‌گذارید و همه در کتاب‌هایشان استفاده می‌کنند و مطالب شما را بدون ذکر منبع می‌آورند. همچنین خیلی از قضات قدیمی هستند که فایل را بفرستید هم نخواهند خواند، اما اگر کتاب باشد بهتر می‌خوانند و مواردی از این دست را مطرح کردند و پیشنهاد دادند که این جزوه را در قالب کتاب چاپ کنیم؛ ضمن اینکه این‌گونه محتواها نیاز جامعه مخاطب و به خصوص قضات دادگاه‌ها و وکلا است. انتشارات قوه قضائیه پیشنهاد چاپ فایل به عنوان کتاب را داد و ما هم فایل را دادیم که برای داوری ارسال شود. داوری کتاب مثبت شد و حدود یک تا یک ماه و نیم طول کشید تا چاپ شود.

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: نقش نویسنده همکار شما در تألیف این کتاب چقدر بود؟**

به این شکل بود که ما باهم قرار می‌گذاشتیم که مثلاً ماده ۱ را هر دو نفر آماده کنیم بعد با هم نکات را تجمیع می‌کردیم؛ من راجع به نکات ایشان نظر می‌دادم و ایشان هم راجع به نکاتی که من می‌نوشتم نظر می‌داد و فایل نهایی می‌شد؛ یعنی ما روی فایل وردی کار می‌کردیم که آنلاین بود. به صورت هم‌زمان ایشان هم می‌دیدند و من هم می‌دیدم. هم‌زمان مثلاً می‌گفت اینجا این اصلاح انجام شود و من هم این اصلاح را انجام می‌دادم، یعنی کاملاً مشارکتی بدون اینکه کنار هم باشیم. به همان میزان که بنده در تألیف کتاب نقش داشته‌ام، ایشان نیز نقش داشتند.

**چه دغدغه و کمبودهایی در نظام حقوقی کشور مشاهده کردید که باعث شد به این جمع بندی برسید که این کتاب یا در مرحله اول جزوه را تألیف کنید؟**

همان‌طور که مستحضر هستید بارها مشاهده شده است قوانینی تصویب شده بدون اینکه به نیازها و دغدغه‌ها توجه کرده باشد. مثلاً همین ۱۵ ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری خیلی از قواعد اصلی را دچار تغییر کرده است. مثلاً قاعده‌های تعدد و تکرار جرم که بسیار پرکاربرد است و قانون تخفیف مجازات عوض شده